

اولین عکاس بقاع متبرکه

محمد ستاری

عضو هیئت علمی دانشگاه هنرهای زیبای تهران

به عکاسی نگاه کرده است. حدود پنج یا شش سال پیش در یک سمینار معتبر علمی و هنری، با مرحوم «بهمن جلالی» صحبت می کردیم، ایشان گفت: من چندی پیش در یک گردهمایی بزرگ عکاسی که کشورهای عرب زبان همسایه های ما برگزار کردند حضور داشتم... وقتی به آنها گفتم قدمت عکاسی در ایران اینچنین است، آنها گفتند، چطور شما مسلمانید و ما هم مسلمانیم اما ما چنین قدمت و سابقه ای نداریم؟ تقریباً به جز دولت عثمانی آن زمان که کوچک شده اش ترکیه امروزی است، در خیلی از کشورهای اسلامی با عکاسی چندان قرابتی احساس نمی کردند و حتی به گونه ای بجای کوشیدن در نشر آن، محکومش می کردند... خب تمام این نکات باعث می شود که ما برگردیم و ببینیم اولین سوژه هایی که مقابل دوربین عکاس در ایران قرار گرفته - می گویم عکاسان ایرانی و می گویم عکاس در ایران، چرا که عکاسان خارجی بسیاری هم در ایران عکاسی کردند - حرم و بارگاه و مضع شریف آقا علی بن موسی الرضا بود. طبق اسنادی که تاکنون یافت شده اولین عکسها از حرم، از فاصله ی دور توسط جیانوتزی، عکاس ایتالیایی گرفته شده. قدیمی ترین عکسهای حرم عکسهای ایشون بوده ولی از آنجا که جیانوتزی مسلمان نبود و نمی توانست

اولین عکاسان، وقتی که دوربین خودشان را به عنوان یک پدیده ی ابتدا فنی و تکنیکی و بعد، هنری به اطراف و اکناف جهان بردند، سعی کردند چیزهایی را که اثر نظر خودشان حائز اهمیت ثبت و ارائه به بیننده ی دیگری بود، سوژه قرار دهند و با عکس گرفتن جاودانه کنند. عکاسی، پس اثر تولدش، در اروپا، به سایر کشورها هم رفت و عکاسی در ایران عزیز ما، به فاصله ی کمتر از سه سال از اختراع آن، راه یافت در حالی که خیلی از کشورهای خود اروپا که عکاسی از کشورهای همجوارشان شروع و شیوع یافته بود، تا سالها بعد هنوز عکاسی نمی کردند. یعنی می خواهم دوستان را به این نکته بشارت بدهم که ایران یکی از معدود کشورهایی است که عکاسی در آن به قدمت تاریخ عکاسی جهان است و جزو تنها کشورهای مسلمانی است که با دید روشن و باز و ژرف اندیشانه



وارد بارگاه رضوی شود، اثر دور، از فاصله چندصد متری عکاسی کرده است. این قدیمی ترین عکسها اثر گنبد و بارگاه آقا علی بن موسی الرضا است. چند سال بعد، آقارضا عکاسباشی که بعدها، اقبال السلطنه لقب گرفت، در اولین سفری که ناصرالدین شاه قاجار با خدم و حشم و با کالسکه چندماهی دس راه بودند و آمدند مشهد، از بیرون و داخل حرم عکاسی کرد. این تقریباً حول و حوش ۱۲۱۰ هجری قمری بود که آقارضا بعنوان اولین عکاس ایرانی از حرم عکاسی کرد. بعد اثر ایشون، عبا... میرزای قاجار بود که از عکاسان خوب دوره ی قاجار بود، تحصیلات عکاسی داشت هم در فرانسه و هم در اتریش و بعد از وی، شماری از عکاسان ایرانی اثر حرم امام رضا عکاسی کردند. اما یک عکاس، زمانی که به یک مکان می رود و یک یا دو بار عکس می گیرد، او را علاقه مند، ذوق ورز یا آماتور می دانیم حتی اگر عکاس حرفه ای باشد، اما روی سخن ما در این کارگاه اولین عکاس حرفه ای بقاع متبرکه ایران، «ابوالقاسم نوری» است که متأسفانه مراجع به این عکاس بزرگ و فوق العاده ابرادتمند به خاندان اهل بیت عصمت و طهارت، چیز زیادی نمی دانیم! خب الان با خود می گوئید پس اگر چیزی نمی دانیم چرا سر حضار محترم را درد می آوری؟ ما مراجع به زندگی خصوصی او، تاریخ تولد و فوت اش و معلم عکاسی وی چیزی نمی دانیم اما بزرگترین گنجینه ی عکسهای گنبد بارگاهی از دسترنج این عزیز صورت گرفته. شاید اغراق نباشد اگر بگوئیم، تمامی بقاع شریف در عتبات عالیات را عکاسی کرده است. حرم آقا علی بن موسی الرضا را هم عکاسی کرده و تقریباً تا آنجایی که تحقیق اجازه می داده، امامزاده های شناخته شده و مطرح را نیز مثل حرم خواهر آقا علی بن موسی الرضا را هم عکاسی کرده است

یعنی تا آنجایی که من می دانم ایشان آنقدر پرکار بوده، آنقدر عشق می ورزیده به خاندان عصمت و طهارت که چیزی را اثر قلم نینداخته. دوستان! ما دس زمانه ای که با یک اشاره و کلیک در پشت کامپیوترمان و یا اثر فضای مجازی و اینترنت، دنیایی از اطلاعات را می توانیم گردآوری کنیم، راجع به او مطلب بسیار محدود و ناچیزی بیش نداریم. فقط این را می دانیم که او فرزند محمدتقی نوری، مستوفی اصطبل همایونی بوده که حساب و کتاب اصطبل را نگه می داشته و به نوعی حسابدار آنجا بوده و ابوالقاسم نوری، هم دوره ی ناصری را درک کرده و هم دوره ی مظفری را.

نکته ی دیگری که دربارہ ی عکسهای این عزیز باید بگوئیم این است که او اثر علمای مطرح روزگار خودش هم عکس گرفته یعنی خط سیرش کاملاً معلوم است که رو به خاندان عصمت و طهارت دارد چه دس ایران و چه مجاور ایران و علمای عزیز ما را هم اثر طریق عکاسی تکریم کرده و یکی اثر شاخصه های دیگری که شاید اثر نظر تحقیق تاریخ عکاسی کاری ست بس بزرگ، این است که او اولین عکاسی ست که اثر روی تصویر قلمی که اثر امیرکبیر کشیده بودند، عکس گرفته است. دوستان! ما هنوز هیچ عکس مستند و مستدل از چهره ی امیر کبیر پیدا نکرده ایم و آنچه را هم که دس برخی اثر کتابها و یا مقالات برخی از روزنامه ها در این دهه های اخیر گفتند عکس امیرکبیر است، اشتباه است! حالا نه میخوام اسم آن مقالات را ببرم و نه اسم آن کتابها را... مثلاً مقاله ی ویژه ای در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار صبح ایران در سال ۷۶ منتشر شد و گفت یک عکسی از امیرکبیر پیدا شده... چنین چیزی نیست و اشتباه است. و این ارزش کار ابوالقاسم نوری را می رساند. معلوم نیست

این قدیمی ترین عکس تاریخدان ابوالقاسم نوری است. از ایشان دو آلبوم عکس در آلبومخانه ی کاخ گلستان موجود است، یکی آلبوم ۴۳۶ که هفتاد و یک قطعه عکس دارد، تاریخ این آلبوم، ۱۳۱۹ هجری قمری است. آلبوم دیگر ۴۶۱ است که تاریخش ۱۳۲۹ قمری است که در این آلبوم دوم، خود این عزیز، یک سری پرتره از خودش گرفته کنار یک دوربین فانوسی با سه پایه ی چوبی خیلی زمخت و سنگین! خب آن زمان شاتر هم نبوده و کلاهک روی لنز را که بر می داشتند، شروع به شمارش می کردند و دوباره آن را می گذاشتند و عکس گرفته می شد. من در جلد دوم «شرح حال رجال ایران در قرون ۱۲، ۱۳ و ۱۴ هجری» اثر جاودانه ی مرحوم مهدی بامداد، عکس دیگری دیدم که ممکن است مربوط به زمان پیری ابوالقاسم نوری باشد ولی هیچگاه مرحوم مهدی بامداد در کتابش اشاره ای به ذکر مآخذ نکرده بود و نمی توانیم خیلی استناد کنیم. پس دو عکس اثر وی داریم که یکی از آنها قطعاً متعلق به اوست چون در آلبومی که خودش تنظیم کرده موجود است و خودش هم زیرش نوشته که چهره ی خودم است و دیگری آن عکس سه تاریخ مشخص در عکسهای ایشان داریم: ۱۳۰۵ هجری، ۱۳۱۹ هجری و ۱۳۲۳ هجری قمری. اثر اکثر امامزاده های ایران و تمام بقاع شریف عتبات عالیات را عکاسی کرده و از تهران به قم و سپس کرمانشاه رفته و سپس وارد عراق شده. اگر بخواهیم مقایسه ای انجام بدهیم، چون من گفتم ابوالقاسم نوری عکاسی است که هم در دوره ی ناصری کار کرده و هم دوره ی مظفری، چون ذکری هم از آقارضا عکاسی کردم، باید گفت که اولین عکاس حرفه ای ایران هم آقارضا است که از هفده سالگی کار عکاسی را شروع کرد. آقارضا متولد ۱۲۵۹ هجری ست و آن عکس ابوالقاسم نوری که از خودش کنار دوربین و سه پایه اش گرفته، حدوداً ۳۰ یا ۳۵ ساله به نظر می رسد. اگر از تاریخ روی عکس ابوالقاسم نوری، که ۱۳۱۹ است، ۳۵ را کم کنیم، احتمالاً تاریخ تولدش ۱۲۸۴ هجری قمری است. یعنی زمانی که آقارضا عکاسی می کرده است، ابوالقاسم نوری هنوز به دنیا نیامده است. پس از ترور ناصرالدین شاه در حرم شاه عبدالعظیم که در سال ۱۳۱۳ هجری اتفاق افتاد، ایشان، ده سال اثر آن دوره را عکاسی نکرده است و بنابراین بیشتر منتسب به دوره ی مظفری می شود.

نکته ی مهم دیگری که وجود دارد این است که ایشان عکسهایی هم دارد از نقاشیهایی که منتسب است به خاتم پیامبران و حضرت علی (ع) و به جز این دو بزرگوار، تقریباً از روی نقاشی تمام حکمرانان دوره ی قاجاری مثل فتحعلی شاه و آغامحمدخان هم عکس گرفته است و کولاژهای خوبی هم انجام داده است.

امیرکبیر سراغ نقاش رفته و سفارش داده تصویرش را نقاشی کند و یا نقاش از امیر خواهش کرده که یک پرتره ی قلمی از او بکشد اما امیر با همان هیأت لباس فاخر قاجاری و نشان ها و مدالها و آن کلاه بلند، لوحی را در دستش گرفته و ایستاده تا چند جلسه تصویر قلمی اش را بکشند. ابوالقاسم نوری از روی آن تصویر قلمی، بقول ما عکاس ها، یک ریپرودکسیون، یک کپی عکس تهیه کرده و این بسیار مهم است چرا که نزدیکترین تصویری که می توانیم اثر صورت و چهره و اندام امیرکبیر بزرگ داشته باشیم، همین تصویری است که ابوالقاسم نوری از روی آن تصویر قلمی برای ما به یادگار گذاشته و جالب است بدانیم از روی همین کپی ریپرودکسیون، خاندان امیرکبیران در تبریز- خاندان منصوب به امیرکبیر که معروف اند به امیرکبیریان- سفارش یافتن یک فرش را داده اند و آن فرش الان موجود است. و نیز نسخه ای اثر این عکس به گمانم در آکسفورد باشد. بنابراین اهمیت قضیه را بدانید؛ ممکن است ما آن را در برخی از آرشیوها داشته باشیم اما بدان توجهی نکرده باشیم....

استنتاجاتی که من از این متن خواهم کرد برپایه ی یک سری حدس و گمان هایی ست که پر بیراه هم نیست. مثلاً عکسی از حجت الاسلام فاضل شریانی دارد که زیر آن با خط خودش نوشته است: «۱۳۰۵ هجری قمری» و

